



بیانات در دیدار با هزاران نفر از بسیجیان - 8 / آذر / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، بسیجیان عزیز. همچنین خوشامد عرض میکنم به مجموعه‌هایی که در شهرهای دیگر اجتماع کرده‌اند و این سخنان را می‌شنوند، ما هم تصویر آنها را اینجا مشاهده میکنیم.

درباره‌ی بسیج، سخن زیاد است. اجمالا، بسیج یادگار گران‌بهای امام برای کشور است. امام آفریننده‌ی بسیج و پدر بسیج است؛ در عین حال، خود آن بزرگوار میگوید که من افتخار میکنم که یک بسیجی‌ام؛ (۲) شأن بسیج این است. خب، از فرمایشات امام در باب بسیج، من چند نکته را عرض میکنم.

نکته‌ی اول این است که منطق بسیج مقاومت‌سازی حداکثری کشور در مقابل تهدیدها و خطرها است؛ منطق بسیج این است. امام (رضوان الله علیه) با دوراندیشی تشخیص داد که برای آسیب‌ناپذیر شدن کشور و ملت و انقلاب، نیاز مبرمی وجود دارد به یک نیروی گسترده‌ی عظیم مردمی، چون انقلاب مال مردم است، کشور مال مردم است؛ بهتر از هر عامل دیگری و هر عنصر دیگری، این مردمنده که میتواند از کشورشان و از انقلابشان دفاع کنند، مشروط بر اینکه راه در مقابل آنها گذاشته بشود؛ این راه را امام مشخص کرد: بسیج. این منطق بسیج است. پس بسیج برای حداکثرسازی امکان مقاومت کشور است، در مقابل هر خطری، در مقابل هر تهدیدی؛ این منطق در ایجاد بسیج عامل اصلی بود، امروز هم همین منطق وجود دارد و این منطق به‌روز است. امروز هم وجود بسیج لازم است - با تفصیلی که حالا وجود دارد و من مختصری عرض میکنم - برای دفاع همه‌جانبه‌ی مادی و معنوی از هویت ملی، از امنیت کشور، از منافع مردم. در این چهل و چند سال، کارنامه‌ی بسیج هم تأیید میکند درست بودن این هدف‌گیری را، نشان میدهد دقیق بودن این دوراندیشی و روشن‌بینی امام را. عزیزان من! یک مواقعی در این کشور پیش آمد که حضور بسیج برای کشور سرنوشت‌ساز شد؛ یک نمونه‌اش دفاع مقدس. قطعاً اگر بسیج مردمی نبود، نتیجه‌ی دفاع مقدس غیر از آن چیزی میشد که اتفاق افتاد، چیز دیگری میشد. ماجرای دفاع مقدس یک نمایش عظیم اقتدار مردمی این کشور در قالب بسیج است؛ در موارد دیگر هم اتفاق افتاده که حالا نمیخواهیم تفصیل بدهیم.

نکته‌ی بعدی این است که امام درباره‌ی بسیج توصیف‌های گوناگونی دارند. دو توصیف را من انتخاب کردم که به شما عرض بکنم. یک جا امام میگوید که «بسیج لشکر مخلص خدا است»؛ (۳) لشکر مخلص خدا! روی کلمات دقت کنید. یک جای دیگر امام میگوید «بسیج مدرسه‌ی عشق است». (۴) خب، این دو توصیف را کنار هم بگذاریم. «لشکر مخلص خدا» نشان میدهد که بسیج رزمنده است؛ لشکر برای رزم است، برای جنگ است. «رزمنده بودن» یعنی چه؟ یعنی هم قدرت مادی و جسمانی داشتن، هم اراده و شجاعت روحی داشتن، هم تدبیر و ترفند جنگی بلد بودن. نمونه‌اش امیرالمؤمنین است؛ در مقابله‌ی با عمروبن عبدود، هم قدرت بدنیش را نشان میدهد، هم شجاعت و نترسی‌اش را نشان میدهد، هم حيله‌ی جنگی‌اش را نشان میدهد؛ به عمروبن عبدود میگوید «من و تو می‌جنگیم، اینها چه کسانی هستند؟» تا برمیگردد، حضرت میزند او را؛ حيله‌ی جنگی است دیگر، تدبیر جنگی است. پس «رزمنده بودن» یعنی قدرت مادی، قدرت روحی، قدرت فکری. بعد، «لشکر مخلص خدا»؛ یعنی چه؟ یعنی این



ذخیره‌ی عظیم مغنم، برای قدرت‌یابی شخصی نیست. لشکرهای دنیا برای چه به کار میروند؟ در چه راهی قدم برمیدارند و میرزمند؟ بسیج میرزمد برای خدا، آن هم با اخلاص؛ به طور خالص متعلق به خدا است. پس بنابراین، این رزمندگی بسیج است و جنبه‌ی قدرت‌نمایی را نشان میدهد، «اشیداء» (۵) را نشان میدهد.

از آن طرف، مدرسه‌ی عشق است. بسیج عاشق است، دل‌باخته است، اما این عشق یک عشق هرزه‌پوی بی‌جهتِ بدمسیر نیست؛ این عشق در ظرفیت و قابلیت یک مدرسه است. ظرف او یک ظرف جهت‌دار و منظم است؛ یعنی چه؟ یعنی عشق به خدا، عشق به معنویت، عشق به مردم، عشق به راه؛ در جهتی که دارد حرکت میکند، عاشقانه حرکت میکند؛ «مدرسه‌ی عشق» یعنی این. نمیگوید بسیج عاشق است، میگوید بسیج مدرسه‌ی عشق است؛ عشق را با جهت مشخص تدریس میکند، تعلیم میدهد.

خب، این توصیفها لفاظی نبود، صرفاً ایده‌پردازی هم نبود؛ همه واقعیت داشتن اینها را دیدند، هم در میدان رزم، هم در میدان محبت. همه به چشم دیدیم بسیج چه کار میکند. در میدان رزم، ده‌ها هزار بسیجی مخلص و اغلب بی‌نام‌ونشان، کارهای کارستان انجام دادند، کارهای بزرگ انجام دادند، نقشهای تعیین‌کننده آفریدند. عزیزان من! شماها دوران جنگ را یادتان نیست، اما آثار دوران جنگ بعضاً منتشر شده؛ اینها را بخوانید، ببینید چه کردند، چه جوری گذراندند، با چه نیتی وارد شدند، با چه عزمی اقدام کردند، چه جوری رفتند؛ نقشهای تعیین‌کننده آفریدند. البته قله‌هایی هم داشتند؛ قله‌ی بسیج سلیمانی است، صیاد شیرازی است، همت است، بابایی است؛ قله‌ی بسیج شیروندی است، شهید همدانی است و صدها نفر امثال اینها، از این چهره‌هایی که یکی از اینها را انسان نمیتواند در مجموعه‌های مدوتی که از وضع ملتهای دنیا هست مشاهده کند؛ آن اخلاص، آن گذشت، آن شجاعت. این میدان رزم است؛ این را همه دیدند، این به چشم همه آمد. [در دفاع مقدس] شما میتوانید رزم بسیجی را مشاهده کنید؛ آنهایی که [بودند] از نزدیک دیدند. بعد هم در میدانهای بعدی؛ حالا شما دفاع مقدس را ندیدید، اما دفاع حرم را دیدید؛ میدانها و صحنه‌های دیگر هم بود، دیدید، مشاهده کردید که بسیج چه میکند. در میدان محبت، خدمات مردمی بسیج در همه‌ی صحنه‌ها؛ در صحنه‌ی سازندگی، در صحنه‌ی سلامت، در بلایای طبیعی، در صحنه‌ی علم و پژوهش. شهید فخری‌زاده (۶) - که سالگرد شهادت او است - یک بسیجی بود؛ مرحوم کاظمی آشتیانی (۷) یک بسیجی بود؛ در صحنه‌ی علم، اینها مرزهای دانش را در کشور زیر و رو کردند؛ در میدان علم و دانش، بعضی‌هایشان از متوسط مرزهای جهانی هم عبور کردند. در میدان تبیین و بصیرت‌بخشی کارهای مهمی انجام گرفت. بنابراین، اینکه امام فرمود «لشکر مخلص خدا» و «مدرسه‌ی عشق»، در عرصه‌ی عمل، در روی زمین، نمونه‌هایش به طور واضح و آشکار دیده شد، همه دیدیم.

نکته‌ی سوّم: بسیج بیش از آنکه یک سازمان باشد، یک فرهنگ است، یک تفکر است. بنابراین، همه‌ی کسانی که این فرهنگ را پذیرفته‌اند، در این راه حرکت کرده‌اند، این تفکر را ممشای خودشان قرار داده‌اند، ولو داخل سازمان نباشند، بسیجی‌اند؛ و این یک جمع کثیری از ملت ایران را شامل میشود، در حالی که در سازمان بسیج هم نه اسمشان هست، نه رسمشان هست. این فرهنگ چیست؟ فرهنگ بسیج مردمی بودن است، متعهد بودن است، احساس مسئولیت کردن است، در مقابل قضایای جاری کشور و مؤثر در آینده‌ی کشور بی‌تفاوت نبودن است؛ فرهنگ بسیجی انقلابی بودن است، قدر انقلاب را دانستن و معنای انقلاب را دانستن است؛ فرهنگ بسیجی قانون‌گریز نبودن است، نظم‌ناپذیر نبودن است، هنجارشکن نبودن است؛ اینها فرهنگ بسیجی است. بسیجی ممکن است به یک مطلبی، به یک واقعیتی، به یک شخصی معترض باشد؛ هیچ اشکالی ندارد، اما هنجارشکنی نمیکند، با دشمن -



قبلاً هم گفته‌ام (۸) - مخرج مشترک پیدا نمی‌کند.

فرهنگ بسیجی پرهیز از کار نمایشی و ویتربینی است؛ کارهای بی‌محتوایی که فقط برای نمایش دادن خوب است. [بسیجی] اگر چیزی هم داخل جعبه‌آینه و ویتربین می‌گذارد، یک چیز بامعنا است، یک چیز باحقیقت است؛ آنچه نشان می‌دهد، پشتش یک معنایی وجود دارد، یک حقیقتی وجود دارد. [بسیجی] کار نمایشی نمی‌کند؛ همت می‌گمارد به کار واقعی، به حرکت واقعی. نمیدانم توجه کردید، دقت کردید به این گزارشی که فرمانده محترم بسیج گفت؟ در این مطالبی که گفته شد، خیلی مطلب بود؛ (۹) اینها واقعیت دارد، اینها کار واقعی است.

فرهنگ بسیجی ترحم به ضعیف است، شدت در مواجهه‌ی با ظالم است، خدمت به همه است؛ همه. آنجایی که سیل آمد، بسیجی تا زانو داخل گل رفت و برای اینکه خانه‌ی سیل‌زده را پاک کند، تمیز کند، از صاحبخانه نپرسید شما اسمت چیست، دینت چیست، مذهبت چیست، قومیتت چیست، سلیقه‌ی سیاسی‌ات چیست؛ [اینها را] نپرسید، رفت خدمت کرد؛ هر چه هست، هر که هست. اینها مهم است.

فرهنگ بسیجی دوری از کبر و غرور است؛ این فرهنگ بسیجی است. انسانها، به حسب موقعیت، گاهی یک آبرویی پیدا میکنند، یک شخصیتی پیدا میکنند. اینکه ما به خودمان نگاه کنیم ببینیم به ما احترام میکنند، برای ما شعار میدهند، ما را جلو می‌اندازند، از ما تعریف میکنند، [لذا] به خودمان مغرور بشویم، کبر بورزیم، خودمان را برتر و بالاتر بدانیم، این ضد فرهنگ بسیجی است. امام سجاد در صحیفه‌ی سجادیّه در دعای مکارم‌الاخلاق این را به ما یاد میدهد: لا ترفعنی فی الناس درجّةً إلا حططتني عند نفسی؛ (۱۰) هر مقداری که در بین مردم قَدْتان بلند شد، پیش خودتان کوچک بشوید، در نفس خودتان دچار غرور نشوید.

فرهنگ بسیجی دوری از طلبکاری است؛ اینکه ما از انقلاب و از کشور و از دولت و از مردم و از همسایه و از دوست و آشنا و از همه طلبکار باشیم، خودمان را بدهکار ندانیم، فرهنگ بسیجی نیست. بسیجی طلبکار نیست؛ خود را موظف میداند، تکلیف‌گرا است، دنبال اداء وظیفه است. بسیجی از توانایی‌های سازمانی به نفع خودش استفاده نمی‌کند. آن که در سازمان بسیج هست، این توانایی‌ای که سازمان به او میدهد یک امانت است در دست او؛ این امانت را با کمال عفت حفظ میکند، امین است.

اینها درسهایی است برای ما. امام که میگفت من افتخار میکنم که یک بسیجی‌ام، همه‌ی این خصوصیات را داشت. این چیزهایی که من الان گفتم، در وجود امام مجسم بود: همیشه خود را بدهکار میدانست، همیشه خود را ضعیف میدانست، همیشه مردم را از خودش بالاتر میدانست؛ همین جوانهایی که می‌آمدند دستش را میبوسیدند، اشک میریختند، امام اینها را از خودش بالاتر میدانست؛ تا آنجایی که ما شناختیم امام را و ما از نزدیک دیدیم امام را، عمر امام لحظه‌ای در راه خدمت به شخصیت خود، عنوان خود، مرجعیت خود، ریاست خود مصرف نشد.

نکته‌ی بعدی که نکته‌ی چهارم است و خیلی هم مهم است، جنبه‌ی فراملی و فرامرزی بسیج است؛ این هم در بیان امام هست. ملاحظه کرده‌اید که امام تعبیر میکند به «هسته‌های مقاومت جهانی»؛ (۱۱) این همان بسیج است؛ بسیج ما نیست، بسیج خودشان است، اما همان فرهنگ است. این تشکیل هسته‌های مقاومت جهانی تحقق پیدا کرد؛ یعنی الان شما نمونه‌هایش را در منطقه‌ی خودمان دارید مشاهده میکنید. حالا «باش تا صبح دولتت بدمد /



کاین هنوز از نتایج سحر است». (۱۲) در منطقه شما ملاحظه میکنید همان هسته‌های مقاومتی که امام خیرش را داده بود، بشارتش را داده بود، امروز در حال تعیین سرنوشت این منطقه‌اند؛ سرنوشت این منطقه‌ی ما را هسته‌های مقاومت دارد تعیین میکند؛ یک نمونه‌اش همین «طوفان الاقصی» است که حالا عرض خواهم کرد.

چند سال پیش، در قضیه‌ی لبنان، آمریکایی‌ها گفتند که دنبال تشکیل خاورمیانه‌ی جدیدند. (۱۳) «خاورمیانه» یعنی همین غرب آسیا. غربی‌ها، اروپایی‌ها و دنباله‌روهایشان دوست دارند همه چیز را نسبت به اروپا بسنجند: آنچه نزدیک به اروپا است خاور نزدیک است، آنچه وسط است خاور میانه است، آنچه دور از اروپا است خاور دور است؛ یعنی محور سنجش، اروپا است. از آن غلط‌هایی است که اینها کرده‌اند، دیگران هم یاد گرفته‌اند و به زبانشان می‌آید. [«خاورمیانه» یعنی] غرب آسیا. گفتند میخواهند به این منطقه – که اسمش را گذاشته‌اند «خاورمیانه» – یک نقشه‌ی جدیدی بدهند؛ «خاورمیانه‌ی جدید» یعنی [اینها] یک نقشه‌ی جغرافیای سیاسی نویی بدهند؛ بر چه اساسی؟ بر اساس تأمین نیازها و منافع نامشروع آمریکا. البته آنچه آنها میخواستند و دنبالش بودند اتفاق نیفتاد. آنها خواستند «حزب‌الله» را نابود کنند؛ در نقشه‌ی جدیدی که داشتند، یکی از اهدافشان این بود: نابودی «حزب‌الله». بعد از جنگ سی‌وسه‌روزه، «حزب‌الله» ده برابر قوی‌تر شد. حالا من که می‌گویم «ده برابر»، چون احتیاط میکنم؛ ولی بیش از اینها قوی‌تر شد. آنها خواستند عراق را ببلعند، نتوانستند. ماجرای عراق ماجرای عجیبی است. تصمیم آمریکایی‌ها این بود که حکومت آمریکایی در عراق بر سر کار بگذارند؛ یک ژنرال آمریکایی (۱۴) را در رأس کار گذاشتند، بعد که دیدند با ژنرال آمریکایی کار پیش نمیرود، او را گذاشتند کنار، یک غیر نظامی آمریکایی (۱۵) را بر سر کار آوردند که این رئیس عراق باشد؛ رئیس‌جمهور یا سلطان عراق به عنوان یک کشور، یک آمریکایی باشد! بعد دیدند نمیشود، یک عراقی وابسته‌ی به خودشان (۱۶) را گذاشتند؛ آن هم نشد و پیش نرفت، تا امروز. امروز هسته‌های مقاومت در عراق، در قضیه‌ی فلسطین وارد میشوند و دولت عراق با قدرت موضع می‌گیرد؛ یعنی آن چیزی که آمریکایی‌ها اسمش را گذاشته بودند «خاورمیانه‌ی جدید»، ۱۸۰ درجه با این چیزی که امروز هست تفاوت دارد. آنها میخواستند عراق را یکجا ببلعند و نتوانستند، نشد. آنها میخواستند سوریه را قبضه کنند، عوامل نیابتی خودشان را به اسم «داعش» و «جبهة‌التصرة» و از این حرفها انداختند به جان دولت سوریه، حدود ده سال هم مدام تزریق کردند، پشتیبانی کردند، پول دادند، امکانات دادند، نشد.

ناکام شدند؛ [در تحقق] خاورمیانه‌ی جدیدی که آنها میخواستند درست کنند، بکلی ناکام شدند. یکی از اجزای آن خاورمیانه این بود که مسئله‌ی فلسطین را به نفع رژیم غاصب تمام کنند تا اصلاً چیزی به نام فلسطین دیگر باقی نماند؛ همان [طرح] دودولتی خائنه‌ای را هم که قبلاً تصویب کرده بودند، زیرش زدند؛ نتوانستند، نشد. حالا شما امروز ببینید موقعیت فلسطین با بیست سال پیش چقدر تفاوت کرده! بیست سال پیش فلسطین چه بود، امروز چیست؛ حماس بیست سال پیش چه بود، امروز چیست. بله، جغرافیای سیاسی منطقه در حال دگرگونی اساسی است، اما نه به نفع آمریکا، [بلکه] به نفع جبهه‌ی مقاومت. بله، نقشه‌ی جغرافیای سیاسی غرب آسیا عوض شد، اما به نفع مقاومت؛ مقاومت پیروز شد. امام درست فهمیده بود، درست تشخیص داده بود. هسته‌های مقاومت توانسته‌اند جهت حرکت را به نفع خودشان تغییر بدهند و عوض کنند.

این نقشه‌ی جدید خصوصیاتش دارد؛ من بعضی از خصوصیاتش را به شما می‌گویم. این نقشه‌ی جدیدی که بر این منطقه دارد بتدریج حاکمیت پیدا میکند، چند خصوصیت دارد. خصوصیت اولش آمریکازدایی است. «آمریکازدایی» یعنی چه؟ یعنی نفی سلطه‌ی آمریکا بر منطقه. معنایش قطع رابطه‌ی سیاسی با آمریکا نیست؛ نه اینکه حالا ما



توقع داشته باشیم یا تصوّر کنیم که دولتهای منطقه [با آمریکا] قطع رابطه‌ی سیاسی کنند؛ نه، رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با همه دارند، با آمریکا هم دارند، داشته باشند؛ اما دیگر سلطه‌ی آمریکا روزه‌روز رو به ضعف است؛ آنچه آمریکا در فلان کشور میخواست تحقق پیدا کند - در نفت، در سلاح، در ارتباطات گوناگون - دیگر بتدریج دارد زایل میشود؛ مقدار زیادی زایل شده، بیشتر از این هم زایل خواهد شد. یک سیاستی را آمریکا از سالها پیش دنبال میکرد که همان سیاست سلطه‌ی بر منطقه بود، وسیله‌ی عمده‌ی این سیاست هم حمایت از رژیم صهیونیستی بود؛ هرچه بتواند او را قوی کند، دست‌وبال او را باز کند، دیگران را تشویق کند به اینکه با او ارتباط برقرار کنند. البته این سیاست قدیمی است، مال ده‌ها سال پیش است؛ از یکی دو دهه پیش، این سیاست را تشدید کردند، رفتند سراغ افغانستان، رفتند سراغ عراق و با اشغال اینها میخواستند تسلط پیدا کنند، [اما] نتوانستند. امروز سیاست و جهت‌گیری در این منطقه آمریکازدایی است. یکی از نشانه‌های واضح و بارزی که امروز جلوی چشمها است، همین طوفان اقصی است. بله، این طوفان الاقصی علیه رژیم صهیونیستی است، اما آمریکازدایی است؛ این حادثه‌ی تاریخ‌ساز، به معنای واقعی کلمه، حادثه‌ی طوفان الاقصی یک حادثه‌ی تاریخ‌ساز بود؛ توانست جدول سیاستهای آمریکا در این منطقه را به هم بریزد و ان‌شاءالله [اگر] این طوفان ادامه پیدا بکند، جدول سیاست آمریکا در منطقه را محو خواهد کرد. پس یک خصوصیت تغییر نقشه‌ی جغرافیای سیاسی منطقه این بود که آمریکازدایی شروع شده؛ بعضی از کشورهایی که صد درصد تابع سیاست آمریکا بودند، شروع کرده‌اند به زاویه پیدا کردن با آمریکا - که می‌بینید دیگر و می‌شنوید - و این ادامه پیدا خواهد کرد.

یک خصوصیت دیگر این است که در این منطقه، دوگانه‌های جعلی و تحمیلی درست کرده بودند؛ این دوگانه‌ها به هم ریخت. دوگانه‌ی عرب و غیر عرب، دوگانه‌ی شیعه و سنی؛ افسانه‌ی هلال شیعی - خطر شیوع شیعه در منطقه - یک حرف بی‌ربطی بود که مطرح کردند؛ اینها همه به هم ریخت. در این قضیه‌ی طوفان الاقصی و قبل از طوفان الاقصی، بیشترین کمک را به فلسطینی‌ها چه کسی کرد؟ شیعه‌ها کردند؛ شیعه‌ی لبنان، شیعه‌ی عراق، شیعه‌ی عرب، شیعه‌ی غیر عرب. این دوگانه‌ها به هم ریخت و به جای این دوگانه‌های تحمیلی، یک دوگانه‌ی جدیدی بر منطقه حاکم شده: دوگانه‌ی مقاومت و تسلیم؛ امروز در این منطقه این دوگانه مطرح است. «مقاومت» یعنی چه؟ «مقاومت» یعنی تسلیم نبودن در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی و دخالتهای آمریکا؛ این مقاومت است. حالا بعضی‌ها صد درصد مقاومت میکنند، بعضی‌ها هشتاد درصد، بعضی پنجاه درصد؛ بالاخره جریان و حرکت مقاومت، امروز در منطقه یک جریان واضحی است، و نقطه‌ی مقابلش «تسلیم» است که خفت‌بار است، دلیل‌کننده‌ی ملت‌ها و دولتها است.

یک خصوصیت دیگری که این نقشه‌ی جدید منطقه‌ی ما دارد، حل مسئله‌ی فلسطین است. به توفیق الهی، مسئله‌ی فلسطین به سمت حل [شدن] دارد حرکت میکند. «حل مسئله‌ی فلسطین» یعنی چه؟ یعنی تشکیل حاکمیت فلسطینی در همه‌ی سرزمین [فلسطین]. ما طرحمان را مطرح کرده‌ایم: طرح همه‌پرسی از فلسطینی‌ها. البته آنهایی که اشغالگرند حق ندارند، اما خود فلسطینی‌ها، چه در سرزمین فلسطین، چه در کشورهای همسایه‌ی فلسطین داخل اردوگاه‌ها، چه در جاهای دیگر، هر جا هستند - چندین میلیون فلسطینی هستند - اینها میتوانند نظر بدهند. [همه‌پرسی] یک منطق دنیاپسند و قابل قبول و متمدّانه برای اداره‌ی فلسطین است. حالا بعضی‌ها میگویند «خب این [چیزی را] که شما مطرح میکنید رژیم صهیونیستی قبول نمیکند و زیر بار نمی‌رود»؛ خب بله، میدانیم زیر بار نمی‌رود، اما زیر بار رفتن او در اختیار خودش نیست، دست خودش نیست؛ گاهی یک چیزی را یک دولتی، یک کشوری دوست ندارد، اما به او تحمیل میشود، ناچار میشود. اگر این قضیه دنبال بشود - که ان‌شاءالله دنبال هم



خواهد شد - اگر همین هسته‌های مقاومت اراده‌ی خودشان را، عزم راسخ خودشان را، خواست خودشان را به طور جدی دنبال کنند، این تحقق پیدا خواهد کرد؛ در این تردیدی نیست. پس بنابراین، حلّ مسئله‌ی فلسطین هم یکی از خصوصیات است که این غرب آسیای جدید ان شاء الله به خود خواهد دید. بعضی از این سخنگویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره‌ی منطقه که صحبت میکنند، بدروغ میگویند که «ایران میگوید بایستی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را به دریا بریزند»؛ نه، این حرف را قبلها دیگران یا کسانی از عربها گفتند؛ ما هیچ وقت نگفتیم این را؛ ما کسی را به دریا نمیریزیم. ما میگوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که با آراء مردم فلسطین تشکیل شد، درباره‌ی مردمی که آنجا هستند و از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ ممکن است به همه‌ی آنها بگوید در فلسطین بمانید - کما اینکه در بعضی از کشورهای آفریقا که بنده زمان ریاست جمهوری رفتم آنجا، [مردم] مبارزه کردند و پیروز شدند؛ انگلیسی‌ها آنجا حاکم بودند، بومی‌ها توانستند انگلیسی‌ها را مغلوب کنند، اما همان انگلیسی‌ها را در کشور خودشان نگه داشتند؛ مصلحت دانستند نگه داشتند، اینها هم ممکن است نگه دارند - ممکن هم هست بگویند نه، بعضی بروند یا همه بروند؛ اختیار با آنها است؛ ما هیچ وقت در این زمینه نظری نداریم. خب، حالا این راجع به این مسئله.

یک کلمه [راجع به طوفان الاقصی] عرض بکنم؛ این طوفان الاقصی، این حادثه‌ی مهم و بی‌نظیری که اتفاق افتاد، هدفها را نزدیک کرد، راه را به سمت این هدفها نزدیک کرد، سهل کرد، کار بزرگی انجام گرفت. رژیم صهیونیستی که اعصابش تکه‌پاره شده بود، خواست با بمباران بیمارستان و مدرسه و جمعیت‌های مردمی و کشتن کودکان، این طوفان را خاموش کند، نتوانست و نخواهد توانست؛ این طوفان با این جنایتها از بین نمیرود. در روزنامه‌ها و مطبوعات و مانند اینها دارید میخوانید، بنده تکرار نمیکنم؛ رژیم صهیونیستی به هیچ کدام از اهداف خودش نرسید، از روی عصبی بودن و عصبانیت افتاد به جان مردم که آن هم فایده‌ای نکرده و نخواهد کرد، بلکه بیشتر بی‌آبرویی برایشان به وجود آورد.

این حرکت وحشیانه‌ای که رژیم صهیونیستی انجام داد، این حرکت بی‌رحمانه‌ای که انجام داد، نه فقط آبروی خود رژیم صهیونیستی را برد، آبروی آمریکا را هم برد؛ آبروی آمریکا را برد، آبروی تعدادی از این کشورهای معروف اروپایی را برد، بلکه آبروی تمدن و فرهنگ غرب را برد. فرهنگ غرب و تمدن غرب همان تمدنی است که وقتی با بمب فسفوری میزنند و پنج هزار کودک را شهید میکنند، رئیس فلان کشور می‌ایستد میگوید که اسرائیل دارد از خودش دفاع میکند! این دفاع از خود است؟ فرهنگ غرب این است؛ در این قضیه فرهنگ غرب بی‌آبرو شد. این فجایعی که در این نزدیک پنجاه روز اتفاق افتاد، فشرده‌ی جنایاتی است که ۷۵ سال است رژیم صهیونیستی دارد در فلسطین انجام میدهد؛ حالا الان فشرده‌اش کرد، و الا در طول این سالها همیشه همین جور کارها را کرده: مردم را بکشد، از خانه‌هایشان بیرون کند، خانه‌ها را ویران کنند. همین شهرک‌هایی که ساخته‌اند، کجا ساخته شده؟ شهرک‌های صهیونیستی کجا ساخته شده؟ خانه‌های مردم را خراب کردند، مزرعه‌ی فلسطینی را نابود کردند، شهرک صهیونیستی ساختند. اگر کسی ایستاده، او را کشته‌اند؛ اگر بچه بوده، بچه را کشته‌اند، زن را کشته‌اند؛ این کاری است که ۷۵ سال است دارند انجام میدهند. به نظر ما طوفان اقصی خاموش‌شدنی نیست ان شاء الله، و بدانند که به حول و قوه‌ی الهی این وضع هم ادامه پیدا نخواهد کرد.

خب، عرایض من تمام شد، [اما] می‌خواهم چند توصیه به بسیج بکنم. این توصیه‌ها، هم به سازمان بسیج است، هم بعضی از اینها به یکایک افراد بسیج است. توصیه‌ی اول: بصیرت‌افزایی کنید؛ هم در خودتان، هم در دیگران. بصیرت



مسئله‌ی مهمتی است.

توصیه‌ی بعدی: ابتکار عمل را در قضایای مهم، شما به دست بگیرید؛ در زمین دشمن بازی نکنید. اگر بصیرت داشته باشیم، میفهمیم که در این قضیه نقشه‌ی دشمن چیست، طبق نقشه‌ی دشمن حرکت نمیکنیم؛ به تعبیر رایج، در زمین دشمن بازی نمیکنیم.

توصیه‌ی بعدی: امید به آینده را هرگز از دست ندهید، وسوسه‌ها در شما اثر نکند. دلیل واضح بر اینکه جوان امروز باید همیشه امیدوار باشد این است که کشورش در طول چهل و چند سال، همیشه تحریم بوده، همیشه در محاصره‌ی اقتصادی بوده، این همه پیشرفت کرده. نه فقط [در بخش] تسلیحات – که تلویزیونی شد و همه دیدند – [بلکه] در بخشهای گوناگون کشور، در خدمات، در ایجاد امکانات رفاهی برای بخشهای مختلف مردم، در ارتباطات و اتصالات، در علم، در فناوری، در تولید، پیشرفتهای فوق‌العاده‌ای انجام گرفته؛ این پیشرفتهای در حالی است که دشمن به خیال خودش همه‌ی درهای پیشرفت را روی ما بسته بود؛ تجارت ممنوع، صادرات ممنوع، واردات بسیاری از چیزها ممنوع؛ در این شرایط، کشور پیش رفته. خب در این کشوری که این جور پیشرفت میکند، جایی برای ناامیدی وجود دارد؟ شما میتوانید همه کاری بکنید. صد برابر آنچه تا حالا پیش رفته‌ایم، شماها میتوانید پیش بروید، اگر در میدان باشید، اگر تلاش کنید، اگر کار کنید که میکنید.

توصیه‌ی بعدی: از غرور بپرهیزید؛ همان‌طور که عرض کردم، مغرور نشوید. اینکه «ما این قدر خوبیم، این قدر عزیزیم، این قدر بسیجی هستیم، این قدر تعریفمان را میکنند، امام این جوری گفته، دیگران این جوری گفتند»، شما را مغرور نکند. خدا را شکر کنید که توفیق پیدا کردید، خدا به شما توفیق داده که بسیجی باشید. خدا را شکر کنید، از خدا بخواهید که این نعمت را از شما نگیرد.

توصیه‌ی بعدی: هرگز احساس عجز و ناتوانی از کارهای بزرگ نکنید. اگر ما در مقابل یک کاری قرار بگیریم که نمیتوانیم انجامش بدهیم، اگر همت داشته باشیم، صبر داشته باشیم، تلاش داشته باشیم، قطعاً علاج خواهد شد و این کار انجام خواهد گرفت. در مقابل کارهایی که علی‌العجاله نگاه میکنیم می‌بینیم نمیشود انجام داد، علاج همین است که همت بکنیم، صبر لازم را داشته باشیم، شتاب‌زده نشویم و تلاش هم بکنیم. مطمئناً هر کار بزرگی را میتوانیم انجام بدهیم. هرگز احساس عجز نکنید.

توصیه‌ی بعدی: [همان‌طور که] قبلاً هم عرض کردیم، از کارهای نمایشی و ویتروینی بدون محتوا پرهیز کنید. بله، داخل جعبه‌آینه و ویتروین چیزهایی میشود گذاشت، عیبی هم ندارد، گاهی لازم هم هست، اما آن وقتی که یک چیز بامعنایی باشد.

توصیه‌ی بعدی: این صفتی و سیمتی که به شما داده‌اند – یعنی صفت بسیجی، سیمت بسیجی – امانت خدا نزد شما است؛ این امانت را قدر بدانید، امین باشید، این امانت را خوب حفظ کنید.

توصیه‌ی بعدی: از دوقطبی‌های کاذب بپرهیزید. در کشور مدام دوقطبی درست میکنند: طرف‌دار زید، طرف‌دار عمرو؛ طرف‌دار فلان فکر، طرف‌دار [فلان]؛ این حرفها چیست! آن کسانی که مبانی شما را، اصول شما را، دین شما را، انقلاب



شما را، ولایت فقیه را، این چیزها را قبول دارند، برادر شما هستند، حالا گیرم یک اختلاف سلیقه‌ای هم با شما داشته باشند. یکی از چیزهایی که انسان واقعاً باید از آن شِکوه کند و گله کند، بعضی از اظهارات در این فضای مجازی است؛ سر یک چیز بیخود، این به آن می‌پرد، آن به این می‌پرد! پرهیز کنید؛ شما که بسیجی هستید [این کار را] نکنید.

آخرین توصیه: در کنار نیروهای عملیاتی، نیروهای طراح را هم جذب کنید. تدبیر، فکر، طراحی، جلوتر از شجاعت و مردانگی مورد نیاز و احتیاج است. با تدبیر حرکت بکنید.
آخرین عرض بنده هم این است که به خدای متعال توکل کنید: **وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ**. (۱۷) خداوند ان شاء الله همه‌ی شما را محفوظ بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، سردار غلامرضا سلیمانی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) گزارشی ارائه کرد.
۲) صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)
۳) صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)
۴) صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)
۵) اشاره به سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»
۶) شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشور، که در هفتم آذر سال ۱۳۹۹ در منطقه‌ی آبسرد دماوند به شهادت رسید.

۷) آقای سعید کاظمی آشتیانی، از دانشمندان و مدیران برجسته‌ی طراز انقلاب اسلامی و از پیشتاژان و جهادگران در نوآوری‌های علوم زیستی و رئیس پژوهشکده‌ی رویان جهاد دانشگاهی بود. در دوره‌ی مدیریت او، ایران توانست به موفقیت‌های چشمگیری همچون گسترش روشهای پیشرفته‌ی درمان ناباروری، تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی و همانندسازی حیوانات دست یابد.

۸) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۴۰۱/۲/۶)

۹) سردار غلامرضا سلیمانی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) ضمن بیان گزارشی از آخرین اقدامات این سازمان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و علمی، «جهاد تبیین» و «جهاد خدمت» و «جهاد امیدآفرینی» را سه رویکرد اصلی بسیجیان برشمرد و بر آمادگی این نیرو برای مقابله با هر گونه تهدید علیه کشور و مبارزه با جنایات رژیم صهیونیستی تأکید کرد.

۱۰) دعای بیستم

۱۱) صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)

۱۲) انوری. دیوان اشعار، قصاید (با اندکی تفاوت)

۱۳) رالف پینترز (سرهنک بازنشسته‌ی آکادمی ملی جنگ آمریکا) در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونین» که در ژوئن ۲۰۰۶ در مجله‌ی نیروهای مسلح این کشور منتشر شد، نقشه‌ی جدیدی از مرزها در غرب آسیا را با عنوان «خاورمیانه‌ی جدید» ارائه کرد و تغییرات سخت در این منطقه را دردهای ضروری مردم برای رسیدن به صلح و آرامش برشمرد. این عبارت زمانی به جای «خاورمیانه‌ی بزرگ» بر سر زبانها افتاد که کاندولیزا رایس (وزیر امور خارجه‌ی وقت آمریکا) در روز ۲۱ ژوئیه در تلاویو، حمله‌ی رژیم صهیونیستی به لبنان در جریان جنگ سی‌وسه‌روزه را «درد زایمان تولد خاورمیانه‌ی جدید» توصیف کرد و افزود ما هر کاری میکنیم باید مطمئن باشیم که فشاری به سمت یک



خاورمیانه‌ی جدید باشد نه بازگشت به خاورمیانه‌ی قدیم.

۱۴) جی گارنر

۱۵) پل برمر

۱۶) غازی مشعل عجیل الیاور

۱۷) سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۳: «... و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است...»